

در دانش پزشکی از دیرباز تا امروز

دکتر بهروز برومند

استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران
و رییس انجمن علمی نفرولوژی ایران

خاستگاه دانش پزشکی ایران زمین بوده است و آن چه گفته می شود که پزشکی ما از یونان و دیگر کشورها گرفته شده، نادرست می باشد و دانش پزشکی ابتدا از ایران به غرب رفته و پس از زمانی باز به شرق بازگشته است».^۵

روان شاد دکتر محمود نجم آبادی در پیشگفتار رساله **جودیه** (از نوشته های فارسی ابن سینا) آورده است:

«ایراد و خرده گیری بر کتب یونانی ها، پزشکان اسلامی به خصوص ایرانی ها پس از آن که دوره ی ترجمه ی کتب یونانی به پایان رسید، همان طور که در بالا بیان داشتیم، استقلال فکری حاصل نموده و کتب یونانیان به خصوص دو نمونه ی بزرگ عالم طب یعنی بقراط و جالینوس را حلاجی و زیر و رو کرده اند، گرچه ترجمه هایی که از کتب طبی به عمل آمده بود، کامل العیار نبودند، بلکه نقایصی در آن مشاهده می شده، چنان که بوعلی سینا بدین مطلب در شرح حال خود که به شاگردش ابو عبید عبدالواحد بن محمد الفقیه الجوزجانی امانمود، می گوید: «من چهل بار کتاب **مابعد الطبیعه**ی ارسطو را خواندم، به طوری که کاملاً ن را حفظ بودم، ولی خوب آن را نفهمیده بودم و تصور چنین می نمودم که برای فهم و درک آن راهی نباشد، اتفاقاً کتاب **اغراض مابعد الطبیعه**ی ابونصر فارابی را یافتم. پس از آن به کمک این کتاب فلسفه و حکمت ارسطو را درک نمودم...»

ولی کم پزشکان ایرانی توانستند این کتب را کاملاً بررسی نموده و آن چه که با عقل و تجربه موافقت داشته، قبول و نسبت به آن قسمت که با عقل و تجربه (به فراخور معلومات آن زمان) منافات داشته و یا آن که نقایصی در این کتب مشاهده می نمودند، با کمال احترام و تعظیم نسبت به پیشینیان ایراد گرفته و بدیهی ست غیر از ایرانیان، دیگران نیز ایرادات و اشکالاتی بر کتب و معلومات یونانی ها گرفته اند. اما در تاریخ طب اسلامی در حقیقت کسانی که اول دفعه جرات این امر را پیدا نموده و با کمال شهامت در این میدان پیدا شدند، ایرانی ها بودند. مضافاً به این که از خود، تالیف و تصانیف عظیمه و آثار گران بهایی در طب به یادگار گذارده که عموماً مجموعه ی آثار قدما و دوران خودشان را به طور اتم و اکمل بیان داشته اند».^۶

بی شک بررسی پیشینه ی پزشکی در ایران زمین این بی مهری تاریخی را روشن تر می نماید که پورسینا و پزشکان دانشمندی هم چون علی بن ربیع طبری و ابوبکر محمد پور زکریای رازی و علی بن عباس مجوسی اهوازی همگان دانش خود را از اندیشمندان فرهیخته ی ایرانی

□ پورسینا بی شک پُرآوازه ترین پزشک روی زمین است. او را شاه یا شاهزاده ی پزشکان، شیخ الرییس، حجت الحق، حکیم شهیر، دانشمند نامی ایران، مرد شرق (پروفیسور آربری کتابی درباره ی پورسینا به این نام نوشته است)،^۱ شرف الملک، شیخ الرییس ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسین بن علی بن سینا معروف به ابن سینا یا ابوعلی سینا، سینا بزرگ ترین دانشمند ایران و بسیاری نام های ستایشگرانه ی دیگر خوانده اند. جرج سارتن درباره ی پورسینا نوشته: «جامع العلوم، فیلسوف، پزشک، ریاضی دان، منجم، بزرگ ترین دانشمند اسلام و یکی از بزرگ ترین دانشمندان همه ی ملت ها، کشورها و اعصار».^۲

اگر ترک ها پس از گرفتن شهر بخارا در سال ۳۸۲ هجری و تاخت و تاز در آن دیار هنگامی که پورسینا ۱۲ ساله بود، این یگانه ی دوران را هم میهن خود نامیده اند^۳ و یا تازیان با نادرستی بیهوده می کوشند او را دانشمند عرب بنامند، چندان نگران کننده نمی باشد و هیچ یک از آنان کاری از پیش نخواهند برد...

نگران کننده آن است که دانشمندی مانند سروران دکتر ابوالقاسم پاکدامن و دکتر جلال مصطفوی نوشته اند که: «اصول علمی و عملی طب قدیم ایران که به طور کامل و جامع در کتاب **قانون** ابن سینا مندرج است، دنباله ی پزشکی قدیم یونان بوده که برجسته ترین نماینده ی آن بقراط و مکتب طب اخلاطی بقراط بود».^۴

امروزه روشن شده است که زادگاه پایه ی طب بقراطی و جالینوسی که به نام «طبایع چهارگانه» شناخته می شود، ایران زمین بوده است. استاد گرامی دکتر حسن تاج بخش در کتاب **ارزنده ی تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران** آورده اند:

«اصل فرضیه ی طبایع چهارگانه که آن را به بقراط نسبت می دهند، در تفکرات مذهبی آریاییان هندو ایرانی که مربوط به بیش از دو هزار سال قبل از میلاد است، نیز وجود داشته است. این نظریه همراه با آریاییان وارد پهنه ی ایران شد. ایرانیان آن را تکامل داده و توجیه کردند و از ایران به یونان رسید. اصل این نظریه بر مبنای فرضیه ی جهان صغیر یا که جهان و مشابهت آن با جهان کبیر یا مه جهان است. در این شیوه ی تفکر، انسان یعنی که جهان آینه ی تمام نمای گیتی یا مه جهان است که این ویژه ی سنت آریاییان ایرانی ست. نظریه ی سرشت های چهارگانه نیز بر مبنای همانندی مزاج های گوناگون انسان با عناصر چهارگانه ی طبیعت یعنی آب، خاک، آتش و هوا استوار است که خود همان تطابق که جهان با مه جهان است.

که نام و نشان آنان را اسکندر و در پی آن تازیان و ترکان زدوده‌اند به یادگار به‌دست آورده بودند.

پاس دست‌آوردهای درخشان پزشکان دانشمند ایرانی که دانش پزشکی در جهان وام‌دار آنان می‌باشد، آن است که به‌درستی نشان داده شود که فرآیند پرورش آنان چه‌گونه بوده است. اکنون که نشان‌های گذشته‌ی درخشان پزشکی ایران در آتش‌سوزی‌ها از میان رفته، باید از گفتار دیگران پیرامون پزشکی در ایران باستان سود جست. در کتاب ارزنده‌ی گرایش‌های علمی و فرهنگی در ایران از هخامنشیان تا پایان صفویه از زبان دانشمندی به‌نام گواشون آمده است:

«هنگامی که اسمی از فلسفه به زبان می‌آمد، مردم به فکر یونان می‌افتادند، ولی وقتی که اسم پزشکی به زبان می‌آمد، مرد به ایران می‌اندیشیدند».^۷

در ایران نیز روان‌شاد دکتر علی سامی در جلد اول کتاب ارزنده‌ی **تمدن هخامنشی** آورده است: «بیست و یک نسک اوستا که به منزله‌ی دایرة‌المعارفی بوده، شامل اکثر علوم از قبیل پزشکی، ستاره‌شناسی، حکمت، علم مبداء، معاد، تکوین، امور اجتماعی، حقوقی، علوم طبیعی، فقهی و... می‌باشد و تاریخ آن را تا سه هزار سال پیش تخمین زده‌اند، بسیاری از امراض از قبیل تب‌های مختلف، مخملک، دمل، خارش، ضعف اعصاب، لرز، سنگ مثانه، زخم و انواع دیگری از ناخوشی‌ها نام برده شده که دلالت بر وجود اطبای حادقی می‌نماید که این دردها را تشخیص می‌داده و معالجه می‌نموده‌اند».^۸

با این باور که زادگاه دانش پزشکی ایران بوده است، کم‌ترین سپاس برای بزرگانی چون پورسینا آن است که همگان بدانند که آنان پرورده دانشگاه‌هایی هم‌چون دانشگاه پاسارگاد و دانشگاه هگمتانه و یا حوزه‌های پزشکی تهریتا یا ترتیه (که نخستین پزشک ایران زمین بوده) و حوزه‌ی پزشکی سننا و گندی‌شاپور می‌باشند و نه شاگردان بقراط و جالینوس. و بقراط و جالینوس نیز خود دانش‌آموختگان همان دانشگاه‌های ایران بوده‌اند که نشانه‌ی آن آموزشگاه‌ها همگی در تاراج و به آتش کشیدن کتاب‌خانه‌هایی مانند: گنج‌نشت یا گنج‌نشت در تخت جمشید، کتاب‌خانه‌ی شیزبکان در کنار آتشکده‌ی آذرگشسب در آذربایجان، کتاب‌خانه‌ی «اگره» در هگمتانه (همدان)، کتاب‌خانه‌ی دانشکده‌ی برسیه، کتاب‌خانه‌ی پاسارگاد و سیستان از میان رفته است. در همین رهگذر سده‌های پیش از سقراط، جالینوس و بقراط، زرتشت پیامبر ایران دستورات بهداشتی داده که به نمونه‌هایی از آن در زیر اشاره می‌شود:

در «وندیداد» که قسمت سوم از کتاب **اوستاست** و در آن احکام و پایه‌های قضاوت دین زرتشتی روشن شده است. در موارد بسیاری از بیماری‌های واگیر نام برده می‌شود. خلاصه نظریه‌های کتاب وندیداد در مورد بیماری‌ها بر این پایه قرار گرفته است که بیماری‌ها به واسطه‌ی «انگره مئینوه» یا خرد خبیث یا اهریمن یا دیوان به تن آدمیان و حیوانات می‌آید و موجب ابتلا می‌گردد. مرده‌ی حیوانات و انسان ناپاک است و سبب ناپاکی زمین، محیط‌زیست و آدمیان می‌شود و باید از آن‌ها دوری کرد امکان سرایت توان مرگ‌زا به انسان یاد شده است. فردی که به مرده دست زده، باید خود را با پیشاب گاو یا آب پاکیزه بشوید تا روح

خبیث را از خود دور کند. زمین آلوده به لاشه تا یک سال غیر قابل کشت است و اثرات لاشه‌ی دفن شده تا ۵۰ سال در زمین باقی می‌ماند (اگر در این قسمت بقای اشکال مقاوم میکربی و هاگ در نظر گرفته شود، پایه‌ی علمی دستورات پزشکی و بهداشتی در اوستا روشن‌تر می‌شود.) اینک قسمت‌هایی از ترجمه‌ی کتاب وندیداد در زمینه‌های بالا یاد می‌شود: «وندیداد: باب ششم، بند یک، صفحه‌ی ۵۱: ... چه مدت از زمان باید زمینی که بر آن سگ یا انسان مرد بی‌زراعت بماند، پس اهورامزدا گفت، ای مقدس زمینی که بر آن سگ یا انسان مرد یک سال بی‌زراعت بماند.

بند دو- پس نباید مزدپرستان تا یک سال در زمینی که بر آن سگ مرده، چیزی بکارند یا آب بیاورند.

بند سه- اگر مزدپرستان زمینی را که در آن سگ یا انسان مرده است، در مدت یک سال زراعت کنند و اگر به آن آب آورند، پس آن مزدپرستان (نجاست) دفن کردن مرده را به آب و زمین و درخت سرایت دهند.

باب بیستم، صفحه‌ی ۱۵۲: ... و برای مقابله با مرض پلید (جذام) و برای مقابله با مارگزیدن... و برای مقابله با مرض ساری و برای مقابله با نظر بد و گنبدگی و کثافت که اهرمن در تن مردم آورد...

آنچه به کوتاهی از آن یاد شد، روشن می‌کند که خاستگاه دانش پزشکی ایران زمین بوده است و آن چه گفته می‌شود که پزشکی ما از یونان و دیگر کشورها گرفته شده، نادرست می‌باشد و دانش پزشکی ابتدا از ایران به غرب رفته و پس از زمانی باز به شرق بازگشته است و پس از آن نیز به کوشش بزرگانی چون پورسینا پربارتر گشته است. در جلد دوم **تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران** در بخش ویژه‌ی که پیرامون پورسینا آمده است: «ابن سینا کاشف سرم درمانی است».^۹ شیخ‌الرئیس در **قانون** در طب آموزش‌های تازه‌ی دربار‌ی درمان‌ها را گزیده دارد که آن را باید کشف سرم‌درمانی محسوب داشت که حدود نهصد سال قبل از کشف و کاربرد این شیوه ابراز شده است و در جلد دوم، **قانون** در طب به روشنی می‌گوید: «خون سگ‌ها را پاد زهر گزش سگ‌ها است».^{۱۰}

گذشته از آموزش‌های بهداشتی و پزشکی **اوستا**، گواه‌های بسیاری در دست است که نشان‌دهنده در کار بودن پزشکی پیشرفته در ایران باستان می‌باشد. آیا می‌توان پذیرفت در آن همه لشکرکشی‌ها و جهان‌گشایی‌های کورش و داریوش، سپاهیان از داشتن درمانگر و درمان‌بی‌بهره بودند؟ مگر ممکن بود برای تندرستی سازندگان بناهای باشکوه تخت جمشید پیش‌بینی‌های کارسازی نشده باشد؟

با بررسی کتاب ارزنده‌ی **گندی‌شاپور** به شکوه و شکوفایی دانش پزشکی ایران در زمان ساسانیان بیش‌تر آشنایی حاصل می‌شود.^{۱۱} باید به این پرسش، پاسخ داد که آیا چنین سازمان و روش پیشرفته و چشم‌گیر و درخشان آموزشی بدون آن‌که در گذشته پایه‌گذاری شده باشد، می‌توانست به‌دست آید؟ اگر پزشکان بسیاری از یونان، هندوستان و سراسر گیتی در آن زمان در گندی‌شاپور گردهم آمده بودند، از آن رو بود که می‌توانستند در ایران پژوهش نموده و به دانش خود افزوده و کارایی خود را زیاد نمایند. همان‌گونه که امروزه از سراسر جهان دانشمندان

به سوی امریکا کشیده می‌شوند، در دوران باستان نیز همه‌ی پزشکان آرزو داشتند به ایران آمده و از گستردگی و در دسترس بودن دانش پزشکی در ایران سود ببرند و همین ساختار بود که دانشمندان نامداری چون رازی و پورسینا را به دنیا پیشکش نمود. و برای پاسداری از دست‌آوردهای این بزرگان دانش باید باز گفت که خاستگاه دانش آنان ایران‌زمین بوده است.

پورسینا نخستین دانشمندی بود که آزمایش کامل پیشاب را به‌گونه‌ی علمی شرح داد و پس از پورسینا پزشکان دیگر آن را به‌کار بردند.

در مقاله‌ی چهارم از **چهارمقاله‌ی عروضی سمرقندی** آمده است: «چون به گرگان رسید، به کاروان‌سرای فرود آمد، مگر در همسایگی او یکی بیمار شد، معالجت کرد، به شد. بیماری دیگر را نیز معالجت کرد، به شد. بامداد قاروره آوردن گرفتند و ابوعلی همی نگرست و دخلش پدید آمد و روز به روز می‌افزود...» ابن‌سینا با نگاه‌کردن به پیشاب در روشنایی روز و یافتن ویژگی‌های آن و جمع‌بندی یافته‌ها با در نظر داشتن وضع نض‌ها و سایر یافته‌های بالینی درباره‌ی بیمار قضاوت می‌نمود و پیش از پورسینا قاروره گرفتن بر مبنای مشاهده‌ی پیشاب انجام نمی‌شد.

پورسینا نخستین دانشمندی‌ست که در کتاب **قانون** در طب می‌نویسد: «پیشاب برای آزمایش باید نخستین پیشاب بامدادی باشد و باید از شب پیشین از آشامیدن آب خودداری شود...»

امروزه ما می‌دانیم که بررسی قدرت تغلیظ و دفع اسید از راه ادرار بهتر است با آزمایش اولین پیشاب بامدادان پیش از آن که بیمار آبی بیاشامد، انجام گیرد تا بتوان دریافت که توان گرده‌ها (کلیه) برای نگه‌داری آب در چه اندازه است. پورسینا در پی آن می‌نویسد: «... پیش از آزمایش پیشاب نباید برای یک ساعت هم مانده باشد. پیشابی که شش ساعت مانده باشد را نباید آزمایش نمود، باید پرسید که آیا بیمار ماده‌ی رنگی خورده است یا نه؟...»

پورسینا می‌گوید: «ظرفی که پیشاب را در آن می‌گیرند، باید شسته شده باشد و باید پیشاب را در جایی گذاشت که از تابش نور خورشید و از تاثیر باد به‌دور باشد تا گرمی و سردی بر آن اثر نگذارد و باید آن قدر زمان داد که ته نشست آن کاملاً جدا شود...» امروزه روشن است که پیشاب نیز مانند گوشت اگر بماند، فاسد می‌شود و بهتر است هرچه زودتر آزمایش شود و بویژه گرما و سرما می‌تواند اثرات چشمگیری روی میزان اسید (PH) و ته‌نشین پیشاب بگذارد و از این‌رو پزشک را در بررسی یافته‌ها سردرگم نماید. گذشته از این پورسینا از نشانه‌هایی در پیشاب به هنگام آزار در دیگر اندام‌ها آگاهی داشت. وی در کتاب **قانون** می‌نویسد: «نخست نشانه‌هایی در پیشاب از سامان کبد و اندام‌های خدمتگزار کبد خبر می‌دهد...» امروزه روشن است که بسته‌شدن راه های صفراوی (اندام خدمتگزار کبد) و یا التهاب نسج کبد بر اثر بروز زردی بقران و افزایش رنگ‌دانه‌های صفراوی، رنگ پیشاب را زرد می‌نماید. پورسینا در این باره در کتاب نخست، فصل دوم آورده است: رنگ پیشاب: «شناخت: اگر رنگ سرخ مایل به زعفرانی باشد، بیش‌تر نشانه‌ی از بیماری در کیسه صفراست...»

ارزش آزمایش کامل پیشاب برای پورسینا به‌درستی روشن بود و از این روست که در سی و سه صفحه از کتاب نخست **قانون** پیرامون آزمایش پیشاب نوشته شده است. پورسینا آزمایش پیشاب را در ۷ گام انجام می‌داد:

۱- رنگ پیشاب

۲- هیات (قوام) پیشاب

۳- روشنی و تیرگی پیشاب

۴- ته‌نشین پیشاب

۵- اندازه (حجم) پیشاب

۶- بوی پیشاب

۷- کف پیشاب

پورسینا نشانه‌های دگرگونی پیشاب را با نشانه‌های بیماری در تن بررسی می‌نموده، چنان‌که می‌گوید: «اگر پیش از سرخ‌شدن رنگ پیشاب، شب بیداری، کری و تشویش عقل و سردرد در کار باشد، نشان آن است که خونریزی بینی روی داده و پس از آن درگرده (کلیه) بیمار سنگ پیدا شود.»

امروزه معلوم است که تشویش عقل، سردرد و خونریزی بینی می‌تواند نشانه‌های Uremia & Hypertensive encephalopathy باشد.

هنگامی که کری پیش از سرخ‌شدن رنگ پیشاب (خون‌شایی) در کار باشد، نشانگان بیماری Alport را به یاد می‌آورد و بی‌شک نارسایی کلیه، همراه خون‌شایی و پُر آب‌بودن بر شاش و نارسایی پیشرفته و از پی‌آمدهای دیررس‌تر نشانگان آلپورت است که می‌رساند استاد با دگرگونی رنگ پیشاب در بیماری‌های نسبتاً کمیاب آشنا و نیز از نشانه‌های پیشاب در کری و اختلال شنوایی به در کار بودن بیماری مادرزادی گرده‌ها پی برده است.

پورسینا می‌دانست که ناتوانی گرده‌ها کاهش اندازه‌ی پیشاب را در پی خواهد داشت. کم‌بودن اندازه پیشاب را به همراه سردرد نشانه‌ی بدی می‌داند که می‌تواند گواه پُرفشاری خون باشد. وی با بررسی پیشاب در مورد سن و جنس بیمار دآوری می‌کرد.

پورسینا در پایان گفتار خود می‌گوید: «چه‌گونه می‌توان پیشاب حیوان را از انسان تمیز داد: «... گویند پیشاب شتر درون شیشه مانند روغن گداخته است و از بیرون نیز تیره‌رنگ و غلیظ به نظر می‌رسد». در پایان بخش بررسی پیشاب در کتاب **قانون** آمده است: «اگر تکه‌یی سفیدرنگ همانند دانه‌ی انار را در پیشاب دیدی بدان که از پیه گرده جدا شده است...» و این زیباترین توصیف برای نکروز پایلر Necrosis Papillary است که در پی کاربرد بی‌رویه‌ی داروهای مسکن و در بیماری‌های از دولاب (دیابت) همراه عفونت گرده‌ها رنج می‌برند، دیده می‌شود.

با توجه به این‌که پورسینا پیشرو دانشمندان بود که آزمایش پیشاب را در خدمت تایید تشخیص علت بیماری‌ها به‌کار گرفت، می‌توان گفت که وی پایه‌گذار دانش پیراپزشکی و نفرولوژی بوده است.

بی‌گمان اگر موضوع ساخت میکروسکوپ و روش اندازه‌گیری میزان املاح و اسید پیشاب در کار نمی‌بود، پس از گذشت ده سده، دانش پزشکی و پیراپزشکی از نظر آزمایش پیشاب و نتیجه‌گیری از آن، هنوز

در شرایط قرن دهم میلادی بود و به درستی می‌توان گفت که پس از گذشت هزار سال و پیشرفت دانش و فراگیر شدن آموزش پزشکی و پیراپزشکی هنوز آگاهی بسیاری از پزشکان پیرامون آزمایش پیشاب از میزان آن چه پورسینا می‌دانست، کم‌تر است.

کتاب **قانون پزشکی (القانون فی الطب)** ابن سینا (۳۷۱-۴۲۸، هجری قمری، ۱۰۳۷-۹۸۰ میلادی) هنوز می‌تواند برای آموزش پزشکان سودمند باشد.

گرچه در دوران پورسینا کالبدگشایی وجود نداشته، ولی عده‌یی از دانشمندان تاریخ پزشکی بر این باور هستند که وی نهانی کالبد انسان را گشوده بوده است.

در هزار سال قبل پورسینا با آن که وسایل کنونی را در اختیار نداشت از سل ریوی و سه مرحله‌ی این بیماری در بدن انسان صحبت می‌کند، درست همان گونه که امروزه در دانش پزشکی شناخته می‌شود.

پورسینا در کتاب قانون از آن‌جا که باور داشته، بسیاری از بیماری‌ها از راه آب، پخش می‌شوند، پیشنهاد سترونی آب را نموده است.

پورسینا در کتاب اول **قانون** پیش از آن‌که به شناخت و درمان بیماری‌ها بپردازد، ساختمان و فیزیولوژی بدن انسان را بررسی می‌نماید.

در کتاب اول، کالبدشناسی و فیزیولوژی ماهیچه‌ها، استخوان‌ها، عصب‌ها، سرخ‌رگ‌ها و سیاه‌رگ‌ها بررسی شده است.

در کتاب دوم قانون، از نزدیک به هفتصد و شصت داروی گیاهی و غیرگیاهی برای درمان بیماری‌های نام برده شده و کاربرد این داروها را در بیماری‌های گوناگون پیشنهاد کرده است.^{۱۳}

قانون در قرن دوازدهم میلادی توسط «گرارد کریمونایی» به لاتین برگردانیده و پانزده بار تجدید چاپ شد. تا سال ۱۶۵۷ میلادی به گونه‌ی کتاب درسی در دانشگاه‌های «سن لویی» و «مون پلیه» برای آموزش پزشکی به کار برده می‌شد. جز **قانون** پورسینا، هیچ کتاب پزشکی دیگری برای ششصد سال چنین گسترده در دانشگاه‌ها به کار برده نشد. دانش امروز پزشکی پی‌آمد آموزش‌های پورسینا می‌باشد.

ترجمه‌ی **قانون** مقامی والا در میان کتاب‌های درسی دانشگاه‌های اروپا داشت. **قانون** در دانشگاه مون پلیه (Montpellier) که یکی از مراکز پزشکی بزرگ اروپا بود، تا سال ۱۶۰۵ برای آموزش پزشکان به کار برده می‌شد. در دانشگاه لیبزیک (Leipzig) و توبینگن (Tubingen) تا سال ۱۴۸۱، در دانشگاه وین تا سال ۱۵۹۲، در دانشگاه فرانکفورت - آن - ادر (Frankfurt - an - oder) تا سال ۱۵۹۸ و در دانشگاه لوون (Louvain) تا سال ۱۶۵۰ از **قانون** به‌عنوان کتاب درسی استفاده می‌شد.

پورسینا در قانون، پزشکی را شاخه‌یی از دانش شناسانیده و گفته است که پزشکی سوای باورهای مذهبی یا خرافات است. وی با دیدن ساختمان بدن و بررسی کار اندام‌ها، روش درست شناخت و درمان ناخوشی‌ها را پیشنهاد نمود. در **قانون** به علت‌ها، نشانه‌ها، پیشگیری و درمان بیماری‌های به روشی علمی و مستدل توجه شده. بی‌شک می‌توان به درستی گفت: پورسینا همان روشی را برای شناخت و درمان بیماری‌ها پیشنهاد نمود که امروزه به کار می‌رود.

کوتاه سخن باید گفت: آن‌چه که آمد قولی‌ست که جملگی بر آنند. نه تنها باور یک ایرانی به‌عنوان هم‌میهن پورسینا چنین است، بیگانگان نیز درباره‌ی پورسینا بیش از ما ستایش می‌نمایند. برای نمونه دکتر جان ارکو هارت John Urquart در مجله‌ی انگلیسی در سال ۲۰۰۵ میلادی یعنی هشتصد سال پس از ترجمه‌ی کتاب **قانون** در طب به لاتین می‌نویسد: «پورسینا **قانون** را در سال ۱۰۱۲ میلادی نوشت و اوسلر کتاب **Principles and Practice of Medicine** را در سال ۱۸۹۲ میلادی نگاشت. (عکس این دو کتاب را در کنار یک‌دیگر خواهید دید) هر دو کتاب به یک اندازه می‌باشند. به گمان من اگر پزشکی در سال‌های ۱۹۰۰ می‌خواست از خواندن یک کتاب سود ببرد، آن کتاب **قانون** پورسینا می‌بود و نه کتاب اصول و درمان اسلر.

زیرا پورسینا نگرشی همه‌سویه به دانش پزشکی داشته، ولی اسلر تنها به مداخلات پزشکی می‌پرداخت».^{۱۴}

در پایان باید یادآور شد نه تنها پورسینا ایرانی به دنیا آمده و ایرانی زیسته و در ایران جان به جان آفرین واگذار نموده و آن‌چه آموخته و آموزش داده، دستاوردی از ایران بوده، نام او نیز نشانی از ایران دارد. باور بسیاری آن است که پورسینا نامی‌ست که از سننا (یا سیمرغ که نام اسطوره‌یی پزشک در ایران باستان می‌باشد و در البرزکوه می‌زیسته و در شاهنامه‌ی فردوسی دست‌اندرکار زایش رستم بوده، گرفته شده و نام پورسینا از سننا Saena بنیانگذار دانش پزشکی در جهان گرفته شده است.

از این‌روست که هنوز جا دارد پزشکان به خواندن آن‌چه پورسینا به دانش پزشکی پیشکش نموده، تشویق شوند و بخواهند که دانشجویان پزشکی از نوشته‌های پورسینا سود ببرند. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- پروفیسور آربری، مرد شرقی، مترجم محسن بینا، فروردین خورشیدی ۱۳۳۳.
- ۲- جرح سارتین: مقدمه بر تاریخ علم، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۴ خورشیدی، صص ۱۵۱-۱۵۴.
- ۳- سعید نفیسی، پورسینا، چاپ‌خانه‌ی حیدری، ۱۳۳۳، ص ۵۴.
- ۴- دکتر جلال مصطفوی، دکتر ابوالقاسم پاکدامن، **مقایسه‌ی طب قدیم ایران با پزشکی نوین**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۷۵۰، سال ۱۳۵۸ خورشیدی، ص ۲۱.
- ۵- دکتر حسن تاج‌بخش، **تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران**، ج اول، **ایران باستان**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ خورشیدی، ص ۲۶۰.
- ۶- دکتر محمود نجم‌آبادی، **رساله‌ی جودیه**، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۳۰ خورشیدی، ص ۱۷ مقدمه.
- ۷- پروفیسور استغان پانوسی، **گرایش‌های علمی و فرهنگی در ایران از هخامنشیان تا پایان صفویه**، نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور، ۱۳۸۳ خورشیدی، ص ۶۶.
- ۸- دکتر علی سامی، **تمدن هخامنشی**، چاپ شیراز، ۱۳۴۰، ج اول، ص ۲۸۷.
- ۹- دکتر حسن تاج‌بخش، **تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران**، انتشارات دانشگاه تهران، ج دوم، دوران اسلامی، ۱۳۷۹ خورشیدی، ص ۳۱۰.
- ۱۰- پورسینا، **قانون در طب**، برگردان عبدالرحمن شرافکنندی (هژار)، انتشارات سروش، سال ۱۳۶۷ خورشیدی، کتاب دوم، ص ۱۹۷.
- ۱۱- دکتر ناصر تکمیل‌همایون، **گندی‌شاپور**، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، از ایران چه می‌دانیم، شماره‌ی ۶۰، سال ۱۳۸۳.
- ۱۲- Professor John Rrquhart: Ibn Sina (Avicenna) saw medicine and surgery as one.
- ۱۳- تمام نقل‌قول‌ها در کتاب **قانون** از همین منبع است.
- ۱۴- British Medical Journal BMJ 2005,331 1486-1487